

بررسی رابطه بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان

حسین اسکندری

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۲

تاریخ وصول: ۹۰/۷/۳

چکیده

کمک به رشد ابعاد گوناگون هویت دانش‌آموزان، از جمله هویت فردی، هویت اجتماعی و هویت دینی از رسالت‌های محوری امور تربیتی یا پرورشی است. در سندهای اخیر وزارت آموزش و پرورش که حاصل بازاندیشی‌ها و طرح‌های تحولی دهه اخیر است به کرات و در بندهای مهم روی واژه «هویت» تأکید شده است. بنابراین حوزه‌ای از پژوهش‌های کاربردی می‌تواند به توصیف و پایش وضعیت ابعاد هویت دانش‌آموزان و همچنین تبیین و توصیف رابطه بین فعالیت‌های گوناگون حوزه تعلیم و تربیت و ابعاد هویتی دانش‌آموزان مربوط باشد. در همین راستا پژوهش حاضر برای بررسی رابطه بین فعالیت‌های پرورشی مدارس استان خراسان شمالی و ابعاد هویت فردی دانش‌آموزان طراحی و اجرا شده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۲۴ مدرسه بود که به شیوه تصادفی، مرحله‌ای انتخاب شدند. در بین این ۲۴ مدرسه سهم متغیرهای جنسیت (دختر و پسر)، منطقه (روستایی و شهری) و مقطع (راهنمایی و دبیرستان) برابر بود. در هر مدرسه از بین کلاس‌های سوم، یک کلاس به عنوان خوشه انتخاب شد که در

مجموع حدود ۵۴۰ دانش‌آموز استان را شامل می‌شدند. به هر یک از این دانش‌آموزان چند پرسشنامه داده شد. پرسشنامه‌های مربوط به ابعاد هویت (فردی، اجتماعی و دینی). به مریدان پرورشی مدارس مذکور نیز پرسشنامه‌ای در جهت ارزیابی میزان فعالیت مدرسه در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ ارائه شد. یافته‌های پژوهش در وهله اول نشان داد که دانش‌آموزان از بعد هویت فردی از وضعیت مطلوبی برخوردارند؛ اما در بعد هویت اجتماعی و دینی اگرچه میانگین نمره آنها بالاتر از متوسط بود اما با وضعیت مطلوب فاصله داشت. به گزارش مریدان پرورشی، سطح فعالیت پرورشی ۳۴٪ مدارس بالاست و حدود همین مقدار در حد متوسط و پایین است؛ که نمی‌تواند خیلی مطلوب ارزیابی شود. در این میان، مدارس دخترانه از پسرانه، و مدارس شهری از روستایی عملکرد بهتری دارند. در رابطه با محور اصلی این پژوهش، تحلیل داده‌ها نشان داد که در حالت کلی، بین میزان فعالیت پرورشی مدرسه و سه بعد هویتی فردی، اجتماعی، و دینی، تنها بین فعالیت‌های پرورشی و هویت اجتماعی رابطه مثبت معنادار مشاهده شد و در دو مورد دیگر رابطه معناداری مشاهده نشد. بررسی همین رابطه به تفکیک متغیرها نشان داد که از مجموع ۲۴ رابطه، در ۱۹ مورد رابطه معنادار مشاهده نشد، ۳ مورد رابطه منفی را نشان داد و تنها در ۲ مورد رابطه مثبت مشاهده شد. و این می‌تواند به معنای آن باشد که فعالیت‌های پرورشی سهم به‌سزایی در شکل‌گیری ابعاد هویتی دانش‌آموزان نداشته‌اند. توجه و نظارت بیشتر به مدارس پسرانه و روستایی از جمله پیشنهادهای پایانی این پژوهش است.

واژگان کلیدی: فعالیت‌ها و برنامه‌های پرورشی، هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت دینی.

مقدمه

قل کل يعمل علی شاکله (الاسراء/۸۴) بگو که همه بر اساس شاکله خود عمل می‌کنند. خود و جامعه و تاریخش، نوع تلقی او را از «خود» رقمی زند. در یک برداشت ساده، این تلقی از خود همان هویت است. «هویت» و «بحران هویت» از جمله واژه‌های پربسامد گفتمان‌های اخیر تعلیم و تربیت و علوم اجتماعی بوده است. تغییرات سریع و پرشتاب دهه‌های

اخیر و دگرگونی‌هایی که در عرصه‌های مختلف اجتماعی جوامع رخ داده است، هویت و هویت‌یابی را با چالش‌ها و بعضاً بحران‌هایی مواجه کرده است.

هویت، رابطه مستقیم و انطباق نسبتاً جامعی با فرهنگ هر فرد و جامعه دارد. هویت تعریفی از کیستی افراد است که می‌توان براساس ارزش‌ها، باورها، آداب، سنن، هنجارها و ... از یک فرد یا جامعه ارائه کرد. هویت به معنای «چه کسی بودن» است، این که یک فرد یا گروه انسانی خود را چگونه می‌شناسد و می‌خواهد خود را چگونه بشناساند. هویت پاسخی به نیاز طبیعی در انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ۶۶). هویت در این چارچوب، به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام می‌شود. هویت وجه تمایز بین «من»، «ما» با «غیر» و «دیگری» است. این هویت احساسی است که تعلق فرد به یک کشور، جامعه، نهاد و مجموعه خاص را نشان می‌دهد (نظری، باقری، ۱۳۹۱، ص ۷۰).

در حال حاضر مسئله هویت، ابعاد گوناگون و پیچیده‌ای را به خود گرفته است. با توجه به جریان‌های جهانی، از جمله جهانی شدن، توسعه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات ابعادی فراملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به خود گرفته است (ایرینا، ۲۰۱۲). مساله هویت در ایران نیز به عنوان جامعه‌ای که از تنوع فرهنگی، زبانی و نژادی بالایی برخوردار است، از پیچیدگی خاصی برخوردار است. یکی از چالش‌های پیش روی جوامع امروزی، از جمله جامعه ما، ناشی از نرخ بالای مهاجرت است که مشکلات اجتماعی و فرهنگی را ممکن است در پی داشته باشد که یکی از مهمترین آنها مسئله هویت و هویت‌یابی خانواده‌ها و نسل جدید است (پاپادمتریوس، ۲۰۱۲). از این رو مدتهاست که مسئله هویت از دیدگاه‌های مختلف تربیتی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی مورد توجه صاحب نظران و سیاست‌گذاران بوده است. به طور کلی «از معضلات برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی به ویژه در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. بررسی اهمیت هویت و دامنه تأثیرگذاری آن بر گرایش‌ها و علاقه‌های جوانان به منظور پذیرش نقش و مسئولیت اجتماعی می‌تواند مانع از گسترش آسیب‌های اجتماعی بیشتر در جامعه شود. دوران

گذار نیز سبب دگرگونی های جدی هویتی شده است، به این معنا که در جوامع سنتی، هویت اجتماعی افراد و گروه‌ها بر ویژگی‌های انتسابی مبتنی است» (باقری، سلیمانیان نژاد، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

جوامعی که در دوره گذار واقع می‌شوند، زمینه بیشتری برای ابتلا به بحران هویت دارند. دوره نوجوانی را نیز می‌توان دوره گذار تلقی کرد که نوجوان بیش از هر موقع دیگری با دشواری های هویتی روبروست. «شاید مهم‌ترین دوره بروز بحران هویت دوره نوجوانی باشد. چون دوران نوجوانی دورانی است که فرد در مفصل دو دوره خاص واقع شده است: از سوئی دوران کودکی و از سوئی دوران بزرگسالی. انتقال از کودکی به بزرگسالی مستلزم دو چیز است: یکی مهار و غلبه بر ضعف‌های دوران کودکی، و دیگری آمادگی برای ورود به عرصه بزرگسالی. یعنی توانایی به دوش کشیدن مسئولیت‌هایی که در این مقطع وجود دارد در او فراهم شده باشد. فرد هنگامی با بحران هویت مواجه می‌شود که بر ضعف‌های دوران کودکی غلبه نکرده و آماده پذیرش مسئولیت‌های بزرگسالی هم نشده باشد» (باقری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸).

مطابق با نظریه پردازان بزرگ روان‌شناسی در حوزه هویت، مانند اریکسون، ماریسا و برزونسکی، هویت، هسته اصلی شخصیت هر فرد است و هر فرد در دوره هویت یابی یعنی در حدود سال‌های نوجوانی و جوانی در پی شناخت از خود است. مطابق با تحقیقات انجام شده (از جمله حسینی، ۱۳۷۵؛ امیدیان، ۱۳۸۰؛ ادبی، ۱۳۷۹) سلامت روانی تا حد زیادی با شکل‌گیری هویت مرتبط است. در تحقیقات انجام شده در تهران و شهرهای دیگر، ارتباط آن با جنبه‌های دیگری مانند پیشرفت تحصیلی (راستگو مقدم، ۱۳۷۷) بررسی و مشخص شده است.

از برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران به این سو بدون شک نقطه عطف برنامه‌های توسعه، نوجوانان و جوانان بوده‌اند. و این قبل از هر چیزی می‌طلبد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شناخت نسبتاً جامعی از وضعیت نوجوانان و جوانان داشته باشند. در رابطه با آنچه این مقاله دنبال می‌کند مطالعات متعدد از جمله گزارش سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱) نشان می‌دهد جوانان کشورمان از ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در وضعیت مطلوبی قرار

ندارند. نتیجه این قبیل مطالعات هشدار می‌دهد که برای مسئولان استانی و محلی تا وضعیت جوانان را با توجه به شرایط خاص هر استان به طور دقیق‌تری مطالعه و پایش نمایند. استان خراسان شمالی همچون سایر استان‌های کشور ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که وضعیت جوانان متأثر از آنهاست. تنوع قومیت‌ها، جدیدالتأسیس بودن استان، رونق کشاورزی و صنعت رو به رشد را می‌توان از عمده‌ترین زمینه‌ها برای ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهای این استان نام برد که می‌تواند وضعیت نوجوانان و جوانان را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

زمینه اصلی شکل‌گیری هویت، عبارت است از خانواده، آموزش و پرورش و سایر نهادهای اجتماعی. هر گونه اختلال در هویت، نه تنها زنگ خطر برای آینده جامعه، بلکه شاخص مهمی برای ارزیابی کارآمدی نهادهای مختلف اجتماعی و در رأس آنها نظام تعلیم و تربیت است و آگاهی از آن یکی از محورهای کلیدی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان است.

خوشبختانه هویت در اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش همواره مورد توجه بوده و از کلمات کلیدی این اسناد به‌شمار می‌رود. برای نمونه در جامع‌ترین سند تعلیم و تربیت کشور یعنی «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران» چهارچوب نظری راهنمای ساماندهی و هدایت انواع تربیت که ویرایش دهم آن به سرپرستی صادق‌زاده قمصری (۱۳۸۷) به شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت تصویب نهایی تحویل شده است، در ذیل تعریف «تربیت» آمده است:

تربیت عبارت است از جریان زمینه‌ساز، هدایت افراد جامعه به سوی تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش برای شکوفایی فطرت و رشد همه‌جانبه و متعادل استعدادهای خدادادی در مسیر قرب الی الله؛ طی این جریان، متریان با کسب شایستگی‌های لازم جهت درک موقعیت خود در مراتب تعالی و عمل برای بهبود مداوم آن، براساس ایمان (انتخاب و التزام آگاهانه نظام معیار) آماده تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد می‌شوند (ص. ۸۰).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این تعریف تکوین و تعالی هویت افراد جامعه هدف نهایی نظام تعلیم و تربیت به‌شمار رفته است. در همین سند و در ذیل تعریف «تربیت عمومی» مجدداً به همین معنا اشاره شده است:

بخشی از جریان تربیت که به شکل سازماندهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی (نسبت به افراد سنین مورد نظر) در جهت تکوین و تعالی مداوم هویت متریبان با تأکید بر وجوه مشترک (انسانی، اسلامی و ایرانی) هویت، ضمن ملاحظه ویژگی‌های (فردی، جنسی/جنسیتی، خانوادگی، فرهنگی، دینی/مذهبی، قومی و بومی/محلی) ایشان صورت می‌پذیرد تا متریبان، مرتبه‌ای از آمادگی برای تحقیق حیات طیبه در ابعاد گوناگون را بدست آورند که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه، لازم یا شایسته باشد (همان، ص ۱۰۲).

به تبعیت از سند فوق، در سند «طرح جامع تحول بخشی در معاونت پرورشی و تربیت بدنی؛ سند شماره یک، سند راهبردی معاونت پرورشی و تربیت بدنی» (۱۳۸۷) که در راستای تحول و احیاء امور تربیتی تهیه و تنظیم شده است، «معاونت پرورشی و تربیت بدنی» به عنوان یک معاونت جدید این گونه تعرف شده است:

بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی که کارکرد آن، زمینه سازی فرهنگی و پرورشی برای تکمیل و تسهیل نظام یاددهی- یادگیری و توانمند ساختن دانش آموزان برای مواجهه یا چالش‌های فرهنگی- اجتماعی جهت تکوین و تعالی مداوم هویت خود از طریق طراحی، اجرا و استفاده از برنامه‌ها، خدمات، کالاهای و فضاها، فرهنگی- تربیتی جذاب برای دانش آموزان است (ص ۶).

بنابراین جای خوش‌وقتی است که هم در سند تربیت رسمی و عمومی کشور و هم در طرح جامع تحول بخشی در معاونت پرورشی و تربیت بدنی، به‌طور صریح و جدی به موضوع هویت توجه شده است. از این رو به نظر می‌رسد که تعیین وضعیت حال حاضر ابعاد هویتی دانش آموزان جهت برنامه‌ریزی‌های تربیتی و آموزشی دقیق‌تر برای نیل به وضعیت مطلوب برای نظام تعلیم و تربیت به‌طور عام و معاونت پرورشی و تربیت بدنی به‌طور خاص کاملاً ضروری است. بعد از دوران جوانی و نوجوانی و بعد از آنکه هویت اجتماعی شکل گرفت، تغییر آن بسیار دشوار است به طوری که هرگونه تلاش برای تغییر آن آنگونه که وولکان توصیف می‌کند ممکن است به مرگ روان‌شناختی منجر شود (ایلماز، ۲۰۰۹، ص ۷۷).

این‌گونه پژوهش‌ها می‌تواند دو دسته کلی داشته باشد. دسته‌ای که وضعیت هویتی دانش‌آموزان را به‌طور مستقل مورد بررسی قرار داده و نتایج آن را به شکل توصیفی در اختیار مسئولان و برنامه‌ریزان قرار می‌دهد و دسته دیگر که ارتباط یا تأثیر محتواها، و فعالیت‌های پرورشی و آموزشی را با هویت یا بر هویت دانش‌آموزان مورد سنجش قرار می‌دهد. برای هر دو دسته فوق تاکنون پژوهش‌هایی در داخل کشور به انجام رسیده است. برای نمونه مجاهد (۱۳۸۲) در پژوهشی در استان بوشهر، عوامل آموزشگاهی مؤثر بر هویت فرهنگی دانش‌آموزان متوسطه و پیش‌دانشگاهی را مورد بررسی قرار داده است. ملاصادقی (۱۳۷۸) نیز در پژوهشی تحت عنوان «نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل‌دهی هویت ایرانی دانش‌آموزان» رابطه بین متغیر فعالیت‌های فرهنگی را از یک سو و متغیر هویت ایرانی را در سوی دیگر مورد بررسی قرار داده است. اما پژوهش‌گر در روند بررسی‌های خود به پژوهشی برخورد نکرد که به‌طور مستقل ارتباط بین فعالیت‌های تربیتی و ابعاد هویت (فردی، اجتماعی، دینی) را مورد توجه قرار داده باشد؛ و حداقل از این جهت، پژوهش حاضر می‌تواند نو به‌شمار رود.

ابعاد هویت

هویت در نظر اریکسون عبارت است از حالتی که فرد بتواند بین تصویری که از ثبات و یگانگی خود دارد و تصویری که دیگران از او دارند هماهنگی ایجاد کند (اریکسون، ۱۹۶۰). چنین حالتی همراه است با تعهد به نقش‌های شغلی، ارزش‌ها و گرایش‌های جنسی (اریکسون، ۱۹۶۸).

مارسیا در تعریفی عینی‌تر، دست‌یابی به تعهد را اصلی‌ترین شاخص شناسایی هویت می‌داند و طبق نظر او عدم تعهد منجر به بحران هویت می‌شود. تعهد سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای از اعتقادات و باورها و یا یک شغل و حرفه است که طی آن نوجوان در آنچه قصد انجام آن را دارد یا در راهی که می‌خواهد وارد شود بررسی مشخصی را انجام می‌دهد (مارسیا، ۱۹۷۷؛ به نقل از محمدی روزبهانی، ۱۳۷۸).

براساس تعریف راهنمای تشخیصی و آماری بیماری‌های روانی (DSM III-R)^۱ هویت، عبارت است از میزان و وضوح فرد نسبت به مقولات تشخیصی شامل: اهداف بلند مدت، انتخاب شغل، الگوی رفاقت، رفتار و طرز فکر جنسی مناسب، ارزش‌های اخلاقی، دید مثبت نسبت به خود، روحیه تلاش و ابتکار و تنظیم وقت. هرچه این وضوح بیشتر باشد، هویت مطلوب‌تر و به عکس هرچه در مقولات فوق اشکال وجود داشته باشد، نشان‌دهنده بحران هویت است.

توصیف سه بند فوق از هویت را تقریباً می‌توان ناظر به «هویت فردی» دانست. در حالی که برای هویت می‌توان ابعاد گوناگونی متصور شد. برای نمونه مارکوس و کیتایاما^۲ (۱۹۹۱) در مقاله خود تحت عنوان «خود و فرهنگ: پیامدهای شناختی، هیجانی و انگیزشی»^۳، «خود» را در قالب «خود مستقل»^۴ و «خود همبسته»^۵ طبقه‌بندی نموده‌اند. این محققین معتقدند، خود مستقل، همان تبیین «خود» در قالب دیدگاه غربی است، که در آن «خود»، یک نظام شناختی- انگیزشی مستقل و خاص، محسوب می‌شود که به دنبال تمایز یافتن از دیگران است.

در مقابل خود مستقل، «خود همبسته» به چارچوبه‌ای از «خود»، اطلاق می‌شود که اساس آن ارتباطات اجتماعی است. در این حالت، ارتباطات مستقیم فرد با دیگران، مبنای خود تعریفی و هویت است. به عبارت دیگر، دیگران مبنای تعریف «خود» هستند. البته، «خود همبسته» نیز دارای یک سری ویژگی‌های درونی و خاص می‌باشد، اما این ویژگی‌ها نقش خاصی در تنظیم رفتارها، باورها و انگیزش‌های فردی ندارند.

با این وصف، هویت اجتماعی (یا بین فردی)، هویتی است که فرد در فرایند اجتماعی شدن و ارتباط با گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه، کسب می‌کند و مشخص‌ترین آنها، گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه و قلمروی است که خود فرد با ضمیر «ما» به آن اشاره می‌کند و خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و منتسب و مدیون به آن می‌داند (عبداللهی،

1. Diagnostic and statistical Manual of Mental Disorders

2. Markus, H.R. and Kitayama

3. Culture and self: Implication for Cognition, Emotion and Motivation

4. Independent self

5. Interdependent self

۱۳۷۴؛ ص ۱۴۲). توضیح بیشتر اینکه هویت اجتماعی با هویت جمعی یکسان نیست. هویت جمعی بیشتر ناظر به هویت قومی، نژادی و ملی است که در آن فرد به قومیت، نژاد، زبان، کشور و دین خاصی احساس تعلق می‌کند. اما در هویت اجتماعی (بین فردی) دیگرانی مطرح هستند که فرد در ارتباط مستقیم با آنهاست. در واقع در هویت اجتماعی بحث از گروه است نه جامعه بزرگی که این گروه خود جزئی از آن است. با وجود این گاهی هویت اجتماعی یکی از مولفه‌های مهم هویت فردی به شمار می‌رود نه یک بعدی هویتی هم ارز آن (ایلماز^۱، ۲۰۰۹، ص ۷۶).

تا اینجا به طور غیرمستقیم به هویت دینی نیز اشاره کردیم. به زبان ساده هویت دینی آن بخش از هویت کلی فرد است که باورها، عواطف و عملکردهای دینی فرد در درون آن قابل فهم است. در تعریف عینی‌تر مفهوم هویت دینی، می‌توان گفت که منظور ما از هویت دینی در این تحقیق، خود اساسی و مستمر فرد، در نگرش به عوامل و عناصر هویت دینی (اعتقادات دینی، عملکرد دینی) است (لطف آبادی، ۱۳۸۵؛ ص ۱۸).

با توجه به آنچه درباره جایگاه «هویت» در تعریف تربیت و همچنین در تعریف معاونت پرورشی و تربیت بدنی گذشت، و همچنین آنچه که درباره ابعاد هویت گفته شد، می‌توان ابعاد مختلف هویت را به مثابه هدف و در نتیجه به مثابه معیاری برای سنجش و ارزشیابی فعالیت‌های نظام تعلیم و تربیت و به طور ویژه معاونت پرورشی و تربیت بدنی قلمداد کرد؛ هدفی که در این پژوهش دنبال شده است. در وضعیت مطلوب، انتظار می‌رود که به طور کلی رابطه مثبتی بین فعالیت‌های مدرسه و ابعاد هویتی دانش‌آموزان وجود داشته باشد. بنابراین این مقاله به دنبال بررسی رابطه بین میزان فعالیت‌های تربیتی مدرسه و وضعیت ابعاد هویتی دانش‌آموزان است. آیا در این رابطه جنسیت دخالت دارد؟ وضعیت این رابطه بر اساس دوره تحصیلی چگونه است؟ آیا این ارتباط در مناطق روستایی و شهری تفاوت معناداری را نشان می‌دهد؟

روش

براساس آنچه که درباره روش تحقیق توصیفی (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۴؛ ص ۸۱) آمده است، روش پژوهش حاضر نیز در این دسته طبقه‌بندی می‌شود. در این راستا از چهار پرسشنامه به شرح زیر استفاده شده است:

۱) پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش میزان فعالیت‌های پرورشی مدرسه. این پرسشنامه شامل ۸ بند اصلی است که مسئولیت تکمیل آن به مربی پرورشی یا معاون پرورشی مدرسه محول شده است: ۱- امکانات و تجهیزات؛ ۲- مسابقات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری؛ ۳- مسابقات و فعالیت‌های ورزشی؛ ۴- تشکل‌های دانش‌آموزی؛ ۵- تشویق‌ها؛ ۶- مراسم آغازین (یا صبحگاه)؛ ۷- فرائض دینی؛ ۸- اردو یا بازدید/نمایشگاه/سخنرانی و یا پرسش و پاسخ/نمایش فیلم/کلاس‌های فوق برنامه.

۲) پرسش‌نامه هویت فردی (شخصی). این پرسشنامه توسط دکتر سید احمد احمدی در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه اصفهان ساخته شده و برای ساختن آن ابتدا مقولات تشخیصی بحران هویت از منابع مختلف استخراج گردیده است، این مقولات عبارتند از: ۱- اشکال در هدف‌های بلند مدت؛ ۲- تردید در انتخاب شغل؛ ۳- نداشتن الگوی مناسب برای رفاقت؛ ۴- متناسب بودن رفتار جنسی؛ ۵- اشکال در شناخت و معرفت جنسی؛ ۶- عدم توجه به ارزش‌های اخلاقی؛ ۷- رعایت نکردن تعهد گروهی؛ ۸- داشتن دید منفی نسبت به خود؛ ۹- نداشتن روحیه تلاش و ابتکار؛ ۱۰- اختلال در تنظیم وقت.

سپس برای هر مقوله چهار درجه ضعیف تا شدید در نظر گرفته شده است و برای هر درجه یک گزینه طرح گردیده است. بدین ترتیب که گزینه اول در هر مقوله نشانه نبودن اشکال و گزینه آخر شدید بودن اشکال در هویت را می‌رساند. با توجه به اینکه آزمون دارای ۱۰ سؤال چهار گزینه‌ای است و در هر سؤال به گزینه اول صفر و به گزینه آخر سه امتیاز تعلق می‌گیرد، امتیازی که هر فرد در مجموع بدست می‌آورد حداقل صفر است که نشان دهنده بحران در

هویت و حداکثر ۳۰ می‌باشد که نشان دهنده اختلال بسیار شدید در هویت است (احمدی، ۱۳۷۳).

پایایی آزمون پرسشنامه «هویت شخصی» احمدی در چند تحقیق نشان داده شده است. برای نمونه موسوی‌پور (۱۳۷۵) با استفاده از آلفای کرونباخ، ضریب پایایی آن را ۰/۸۷ و کریمی (۱۳۷۵) از همین طریق ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. این پرسش‌نامه توسط محمدی روزبهرانی (۱۳۷۸) در دانشگاه اهواز مورد استفاده قرار گرفته و با روش اعتبار ملاکی هم‌زمان، اعتبار آن در قیاس با «مقیاس هویت خود» (EIS) تن و همکاران مورد تأیید قرار گرفته است.

۳ پرسش‌نامه هویت بین فردی (اجتماعی): برای این منظور از پرسشنامه ابعاد هویت^۱ ویرایش AIQ-IV استفاده شد. این پرسشنامه توسط چک^۲، اسمیت^۳ و تروپ^۴ (۲۰۰۲) طراحی و بارها مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این پرسشنامه تکامل یافته ویرایش چهارم (چک و تروپ، چن و آندروود، ۱۹۹۴) ابعاد هویت معروف به سه ایکس است. ویرایش قبلی یعنی سه ایکس پیش از این در ایران مورد استفاده قرار گرفته است (جوکار، لطیفیان، ۱۳۸۵، ص ۳۶-۳۷). فرم تجدید نظر شده این مقیاس از ۴۵ گویه تشکیل شده که ۷ پرسش آن به هویت اجتماعی اختصاص دارد و در پژوهش حاضر تنها همین سؤال‌ها مد نظر قرار گرفته است. در مقابل هر گویه ۵ گزینه قرار داده شده است که پاسخ دهنده باید یکی از آنها را انتخاب کند (اهمیتی ندارد، اهمیت کمی دارد، تا حدودی اهمیت دارد، اهمیت دارد، هویت فوق‌العاده‌ای دارد). گزینه‌ها به ترتیب دارای ۱ تا ۵ امتیاز می‌باشند. اگر مجموع امتیازها پایین‌تر از ۲۰ باشد = یعنی نمره پایین، اگر مجموع امتیازها بین ۲۱ تا ۲۷ باشد (حدوسط ۲۴) باشد = یعنی نمره متوسط، و اگر مجموع امتیازها بالاتر از ۲۸ باشد = یعنی نمره بالا.

-
1. Aspects of Identity Questionnaire
 2. Cheek
 3. Smith
 4. Tropp

ضریب پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۶۷ بدست آمد که می‌تواند قابل قبول باشد.

۴) پرسش‌نامه هویت دینی: برای سنجش هویت دینی، پرسشنامه هویت دینی که توسط سفیری و غفوری (۱۳۸۸) طراحی و اجرا شده است مبنا قرار گرفت. پژوهش‌گر با انجام تغییراتی در این پرسش‌نامه که شامل سه بعد احساس، باور و عقاید، و عمل می‌باشد، آن را اصلاح و مورد استفاده قرار داد. در این پرسش‌نامه به هر یک از گزینه‌های ۱ تا ۵ به ترتیب ۱ تا ۵ امتیاز تعلق گرفت. اگر مجموع امتیازها پایین‌تر از ۳۶ باشد= یعنی نمره پایین، اگر مجموع امتیازها بین ۳۷ تا ۴۵ باشد (حدوسط ۴۱) باشد= یعنی نمره متوسط، و اگر مجموع امتیازها بالاتر از ۴۶ باشد= یعنی نمره بالا.

در نهایت پس از بررسی کامل روایی (روایی ظاهری، محتوا و سازه) و پایایی (دو نیمه کردن و آلفای کرونباخ که برابر ۰/۹۴ می‌باشد)، پرسشنامه‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی و متوسطه استان خراسان شمالی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ می‌باشند. این تعداد برابر است با ۸۶۵۶۰ که از این میان ۴۴۱۹۵ هزار نفر آن دانش‌آموز راهنمایی و ۴۲۳۶۵ هزار نفر آن دانش‌آموز دوره متوسطه هستند. سه شهرستان بجنورد، آسرخانه و جاجرم (به عنوان سه منطقه برخوردار، نیمه‌برخوردار و محروم استان) به قید قرعه انتخاب شدند. بنا به متغیرهای تعریف شده، به شکل انتخاب تصادفی، مرحله‌ای، خوشه‌ای از بین مدارس هر یک از سه منطقه مذکور، ۸ مدرسه و در مجموع ۲۴ مدرسه انتخاب شدند. در هر منطقه ۴ دبیرستان و ۴ مدرسه راهنمایی انتخاب شدند که از هر چهار مورد، ۲ مورد آن دخترانه و ۲ مورد پسرانه بودند. از هر ۲ مورد نیز ۱ مورد روستایی و ۱ مورد شهری بودند. بنابراین در کل استان برای هر یک از ۸ گروه متغیری زیر ۳ مدرسه از سه ناحیه برخوردار، نیمه برخوردار و محروم انتخاب شدند. در زیر تعداد هر یک از دانش‌آموزان انتخاب شده از هر گروه متغیری مشخص شده است:

راهنمایی پسرانه شهری = ۷۰ راهنمایی پسرانه روستایی = ۵۸

راهنمایی دخترانه شهری = ۶۴ راهنمایی دخترانه روستایی = ۵۶

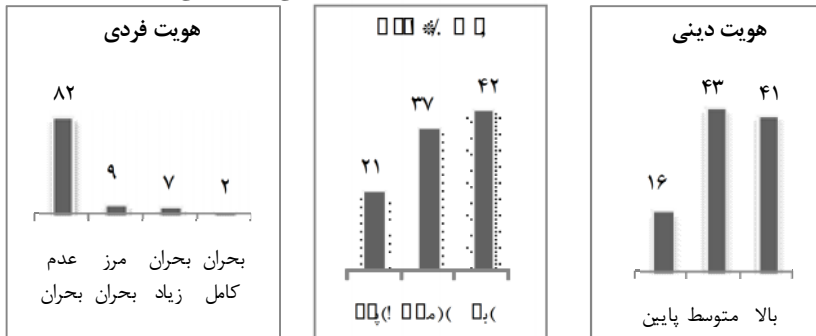
دبیرستان پسرانه شهری = ۶۶ دبیرستان پسرانه روستایی = ۶۷

دبیرستان دخترانه شهری = ۷۵ دبیرستان دخترانه روستایی = ۸۲

در مجموع، ۵۳۸ دانش آموز از کلاس‌های سوم راهنمایی و سوم دبیرستان و ۲۴ مری (برابر با تعداد مدارس) به عنوان جامعه آماری مورد پرسش قرار گرفتند. دلیل اینکه تنها سال سوم در هر دوره مورد پرسش قرار گرفت این بود که سال سوم را می‌توان برون داد هر دوره تحصیلی در نظر گرفت. روشن است که ساختار مدرسه و فعالیت‌های پرورشی آن در هویت دانش آموزان سال سوم آن هم در انتهای سال سوم بیش از دانش آموزان سال اول و دوم تأثیر گذاشته است.

یافته‌ها

نمودار ۱ توصیفی است از وضعیت ابعاد هویت (فردی، اجتماعی، و دینی) دانش آموزان استان خراسان شمالی. این نمودارها وضعیت هویت نمونه آماری را به طور کلی یعنی بدون لحاظ کردن متغیرهای جنسیت، منطقه و دوره تحصیلی نشان می‌دهند.



نمودار ۱. وضعیت هویت فردی، اجتماعی و دینی دانش آموزان

جدول ۱: نتایج آزمون تی در مورد ابعاد هویت

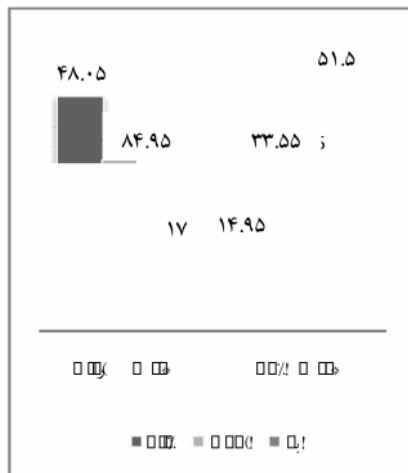
کم‌ترین سطح معنی‌داری	مقدار آزمون T یک نمونه‌ای	انحراف معیار	میانگین	تعداد	ابعاد هویت
۰.۰۰۰	-۲۷.۷۶۵	۵.۹۲۶۰۴	۶.۷۲۸۵	۵۱۲	هویت فردی
۰.۰۰۰	۴.۹۱۳	۶.۶۰۵۸۶	۲۵.۴۵۸۶	۴۹۵	هویت اجتماعی
۰.۰۰۰	۴.۱۴۳	۷.۴۹۹۴۳	۴۲.۴۳۰۱	۴۷۲	هویت دینی

جدول ۱ نتایج آزمون تی را در مورد ابعاد هویت نشان می‌دهد. با توجه به داده‌های جدول ۱ می‌توان گفت:

فرض برابری میانگین مشاهده شده (۶.۲۷) با میانگین نظری (مرز بحران ۱۴) رد می‌شود. لذا با توجه به میانگین مشاهده شده می‌توان گفت میانگین هویت فردی دانش‌آموزان در حد عدم بحران است.

فرض برابری میانگین مشاهده شده (۲۵.۴۶) با میانگین نظری (حد متوسط ۲۴) رد می‌شود. لذا با توجه به میانگین مشاهده شده می‌توان گفت میانگین هویت اجتماعی دانش‌آموزان بیش از متوسط است.

فرض برابری میانگین مشاهده شده (۴۲.۴۳) با میانگین نظری (حد متوسط ۴۱) رد می‌شود. لذا با توجه به میانگین مشاهده شده می‌توان گفت میانگین هویت دینی دانش‌آموزان بیش از متوسط است.





نمودار ۲: نمودار وضعیت فعالیت‌های پرورشی کل مدارس استان

بخش دوم یافته‌ها به وضعیت فعالیت‌های پرورشی مدارس باز می‌گردد. نمودار ۲، به شکل‌های مختلف، این وضعیت را نشان می‌دهد. در نمودار سمت راست، وضعیت فعالیت‌های پرورشی مدارس به‌طور کلی و بدون در نظر گرفتن متغیرها نشان داده شده است. در نمودار وسط، کل مدارس پسرانه و دخترانه با یکدیگر مقایسه شده‌اند. و در نمودار سمت چپ، مدارس روستایی و شهری با یکدیگر مقایسه شده‌اند. این نمودارها و دیگر یافته‌های عمده نشان می‌دهند که:

به‌طور کلی فعالیت‌های پرورشی مدارس از کیفیت بسیار خوبی برخوردار نیستند. تنها حدود ۳۴ درصد مدارس میزان فعالیت‌های خود را بالا اعلام کرده‌اند.

فعالیت‌های پرورشی مدارس دخترانه، به نسبت بیشتر از مدارس پسرانه است.

فعالیت‌های پرورشی مدارس شهری، به شکل معناداری بیشتر از مدارس روستایی است.

در ضمن میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس راهنمایی و دبیرستان تقریباً یکسان است (که در

نمودار نشان داده نشده است).

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه آیا بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟ جدول ۲، نتایج همبستگی پیرسون بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویت فردی، دینی و اجتماعی را در حالت کلی و بدون تفکیک متغیرها نشان می‌دهد. جدول بعدی، یعنی جدول ۳ همین رابطه را به تفکیک نشان می‌دهد. توضیح بیشتر در مورد یافته‌های این جدول در ذیل بحث و نتیجه‌گیری آورده شده است.

جدول ۲: نتایج همبستگی پیرسون بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس

و ابعاد هویت فردی، دینی و اجتماعی (به‌طور کلی)

هویت اجتماعی	هویت دینی		هویت فردی	میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس
۰.۱۹۱	۰.۰۶۳	۰.۰۶۷	همبستگی پیرسون	
۰.۰۰۰	۰.۱۷۴	۰.۱۳۰	سطح معناداری	
۴۹۵	۴۷۲	۵۱۲	تعداد	

با توجه به مقدار کم‌ترین سطح معنی‌داری آزمون همبستگی پیرسون می‌توان گفت بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و بعد هویت اجتماعی دانش‌آموزان، رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد و بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و بعد هویت فردی و هویت دینی رابطه معناداری برقرار نیست.

جدول ۳: خلاصه نتایج همبستگی بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویت

به تفکیک متغیرهای جنسیت، منطقه و مقطع

رابطه معنادار بین فعالیت‌های پرورشی	هویت فردی	هویت اجتماعی	هویت دینی
۱ مدارس راهنمایی پسرانه شهری			-
۲ مدارس راهنمایی پسرانه روستایی			
۳ مدارس راهنمایی دخترانه شهری	-	+	+
۴ مدارس راهنمایی دخترانه روستایی			
۵ دبیرستان‌های پسرانه شهری			
۶ دبیرستان‌های پسرانه روستایی			
۷ دبیرستان‌های دخترانه شهری	-		
۸ دبیرستان‌های دخترانه روستایی			

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که نشان داده شد، به‌طور کلی میانگین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس استان بیشتر از متوسط است. اما با کمال مطلوب فاصله دارد. چراکه فعالیت پرورشی قریب به یک سوم مدارس استان ضعیف گزارش شده و تنها حدود ۳۴٪ درصد مدارس سطح فعالیت‌های خود را بالا گزارش کرده‌اند. اگر تمام اطلاعات وارد شده توسط مربیان پرورشی در پرسشنامه‌ها صحیح و عاری از هرگونه اغراق باشد! باز هم میزان فعالیت‌ها را نمی‌توان چندان مطلوب ارزیابی کرد.

از دیگر یافته‌های قابل توجه اینکه میزان فعالیت‌های مدارس دخترانه از پسرانه بیشتر است. پژوهش‌گر برای این امر دو دلیل عمده را حدس می‌زند. نخست آن‌که احتمالاً دانش‌آموزان دختر برای حضور در فعالیت‌های خارج از مدرسه نسبت به دانش‌آموزان پسر از محدودیت بیشتری برخوردارند، لذا زمینه‌های فعالیت‌های جمعی درون مدرسه را مغتنم شمرده و حضور فعال‌تری دارند و در نتیجه به پررنگ‌تر شدن فعالیت‌های پرورشی در مدارس دخترانه منجر می‌شود. دلیل دوم می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری بالاتر مربیان پرورشی زن باشد. اینکه چرا مربیان زن برای وظایف شغلی خود اهمیت بیشتری قائلند برای پژوهش‌گر چندان روشن نیست؛ اما پژوهش‌گر خود در جریان مراجعه‌های حضوری به مدارس متعدد استان و همچنین بررسی نحوه و کیفیت پاسخ‌دهی مربیان زن به پرسشنامه‌ها، این مطلب را به‌خوبی دریافته است. پیداست که حس مسئولیت‌پذیری بالاتر، به فعالیت و تلاش بیشتر و در نتیجه بالاتر رفتن کمیت و کیفیت فعالیت‌های پرورشی مدارس دخترانه خواهد انجامید.

نکته دیگر، بالا بودن میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس شهری از روستایی است. به اعتقاد پژوهش‌گر بخش زیادی از این تفاوت اساساً ناشی از تفاوت در امکانات و منابع است. برای نمونه اجرای برخی از مسابقات و فعالیت‌های فرهنگی ورزشی چون وبلاگ‌نویسی، شنا، ورزش‌های رزمی، کشتی، شطرنج، گرافیک، صنایع دستی، نمایش‌نامه، شرکت در نماز جمعه و مانند آن وابسته به وجود امکانات و شرایطی است که غالباً مراکز روستایی نسبت به شهری

در رابطه با آنها از محرومیت بیشتری رنج می‌برند. علاوه براین، همان‌طور که در ذیل روش گذشت، نخستین بندی که از مریبان پرورشی در مورد آن سوال شد «امکانات و تجهیزات» بود. با توجه به محرومیت ذکر شده، طبیعی است که امتیاز مربوط به فقره‌هایی مانند زمین بسکتبال، سالن همایش، اینترنت و مانند آن برای مدارس روستایی منظور نشود. بنابراین پایین‌تر بودن میانگین فعالیت‌های مدارس روستایی، قبل از هر چیز به محرومیت آنها در امکانات، تجهیزات، و فضاها چه در مدرسه و چه در منزل باز می‌گردد، تا به دلایل دیگری مانند کم تجربه بودن یا کم کاری مریبان مناطق روستایی نسبت به شهری.

از بین ابعاد هویت، هویت فردی از جایگاه بسیار خوبی برخوردار است (نمودار ۱ و جدول ۱). خوشبختانه تنها ۲ درصد دانش‌آموزان دچار بحران کامل هستند. و میانگین نمره ۸۲ درصد آنها نشان‌دهنده آن است که بحرانی در آنها دیده نمی‌شود. اما آیا فعالیت‌های پرورشی مدارس در این امر نقش داشته است؟ با توجه به نتیجه آزمون همبستگی پیرسون (جدول ۲) به‌طور کلی بین میزان فعالیت پرورشی مدارس و هویت فردی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. اما بررسی همین رابطه، به تفکیک متغیرها که در جدول ۳ نشان داده شده است، حاکی از آن است که در ۶ مورد رابطه معنادار دیده نمی‌شود و در ۲ مورد نیز این رابطه جهت معکوس و منفی دارد! یعنی در دبیرستان‌های دخترانه شهریو همچنین در مدارس راهنمایی دخترانه شهری، هرچه میزان فعالیت‌های پرورشی بالاتر بوده است، نمره وضعیت هویت فردی پایین‌تر بوده است. بنابراین می‌توان گفت که به احتمال قوی فعالیت‌های پرورشی مدارس در شکل‌گیری وضعیت مطلوب هویت فردی دانش‌آموزان سهمی نداشته است.

اما وضعیت هویت اجتماعی و هویت دینی به خوبی وضعیت هویت فردی نیست (نمودار ۱ و جدول ۱). با این وجود میانگین نمره دانش‌آموزان در ابعاد هویت اجتماعی و دینی اگرچه عالی نبوده، اما بالاتر از متوسط است. این بخش از یافته‌ها با نتایج مطالعات متعدد از جمله گزارش سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱) درباره وضعیت هویت جوانان همسو است. جدول ۲ حاکی از آن است که به‌طور کلی تنها بین هویت اجتماعی و فعالیت‌های پرورشی مدارس، رابطه مثبت و

مستقیم مشاهده می‌شود. بدین معنا که هرچه میزان فعالیت پرورشی مدرسه بالاتر بوده، نمره هویت اجتماعی دانش‌آموزان نیز بیشتر بوده است. چنین وضعیتی در مورد هویت فردی و دینی برقرار نیست.

اما اگر بخواهیم به‌طور تفکیکی رابطه بین فعالیت‌های پرورشی و ابعاد هویت را مورد بررسی قرار دهیم، جدول ۳ حاکی از آن است که تنها در «مدارس راهنمایی دخترانه شهری» است که بین میزان فعالیت‌های پرورشی و نمره هویت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد و در بقیه موارد رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. بر اساس همین جدول، بین وضعیت هویت دینی و فعالیت‌های پرورشی در شش مورد رابطه معناداری وجود ندارد، در یک مورد رابطه مثبت و در یک مورد نیز رابطه منفی است.

در مجموع این پژوهش نشان داد که اگر رابطه بین فعالیت‌های پرورشی و ابعاد هویت را به‌طور کلی در نظر بگیریم تنها بین فعالیت‌های پرورشی و هویت اجتماعی رابطه مثبت برقرار است. توجیه و پذیرش این امر چندان دشوار نیست؛ چرا که بخش زیادی از فعالیت‌های پرورشی - دینی، ورزشی، تفریحی در قالب فعالیت‌های گروهی انجام می‌شود که به‌طور مستقیم روی رشد هویت اجتماعی (یا بین فردی) دانش‌آموزان تأثیر مستقیم و مثبت می‌گذارد. اما اگر به‌طور تفکیکی این رابطه را مورد توجه قرار دهیم، از ۲۴ مورد، ۱۹ مورد حاکی از عدم هرگونه رابطه معنادار، ۳ مورد رابطه منفی! و ۲ مورد رابطه مثبت است؛ که نشان‌دهنده آن است که فعالیت‌های پرورشی مدارس نقش چشم‌گیری در شکل‌گیری ابعاد هویت نداشته است.

با وجود این، پژوهش‌های زیادی نقش مدرسه را به‌طور عام در روند هویت‌یابی دانش‌آموزان (نوجوانان) مهم تلقی کرده‌اند. صاحبی (۱۳۷۲) در تحقیق خود هویت فردی، مجاهد (۱۳۸۲) هویت فرهنگی و ملاصادقی (۱۳۷۸) و درویشی (۱۳۸۹) هویت ملی (یا ایرانی) را در مرکز توجه قرار داده‌اند. پژوهش حاضر نیز ضمن اذعان به این امر، نوع، کیفیت و اثربخشی فعالیت‌های مدرسه را برای نیل به این هدف، مورد بررسی و انتقاد قرار داده است.

از آنجا که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های پرورشی و به‌طور کلی روح فعالیت‌ها صبغه دینی دارند، انتظار می‌رود که این‌گونه فعالیت‌ها به‌طور ویژه در شکل‌گیری و ارتقاء هویت دینی دانش‌آموزان نقش داشته باشند. البته عدم معناداری رابطه به معنای بی‌اثر بودن فعالیت‌های پرورشی مدرسه در هویت دینی نیست، اما می‌تواند به معنای کم‌اثر یا ضعیف بودن آن تفسیر شود.

در مجموع، به‌نظر می‌رسد که فعالیت‌های پرورشی با هدف کمک به شکل‌گیری ابعاد هویتی دانش‌آموزان طراحی نشده یا در این راه توفیق نداشته‌اند. گذشته از محدودیت امکانات که می‌تواند بر کمیت و کیفیت فعالیت‌های پرورشی اثر داشته باشد، شیوه ارزیابی فعالیت‌های پرورشی از سوی ادارات آموزش و پرورش بر جهت‌گیری غالباً کمی فعالیت‌های پرورشی اثرگذار بوده است. اگر وظیفه‌های پرورشی صرفاً چسبانیدن پوستر، بخش‌نامه‌ها، اطلاعیه‌ها و برگزاری مسابقات و از همه مهم‌تر ارائه گزارش‌های پی‌در پی و بعضاً اغراق‌آمیز از فعالیت‌های پرورشی مدرسه باشد، بدون آنکه رابطه عمیق انسانی و اخلاقی بین او و دانش‌آموزان شکل گرفته باشد، قطعاً معاونت پرورشی از رسالت و اهداف خود دور مانده است و تکیه بر گزارش‌های مکتوب راه مطمئنی برای شناخت و درک میزان کارایی و اثربخشی این بخش از نظام تعلیم و تربیت نخواهد بود.

پژوهش‌های متعددی را می‌توان سراغ گرفت که برنامه‌ها و فعالیت‌های پرورشی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند که غالباً به دهه گذشته تعلق دارند و در سطح محلی و استانی به انجام رسیده‌اند. با توجه به حذف، احیاء و تغییر و تحول در معاونت پرورشی، یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها چندان نمی‌تواند مورد مقایسه با نتایج این پژوهش قرار گیرد. مرور این پژوهش‌ها تصویر روشنی از جایگاه فعالیت‌های پرورشی و همچنین نقش‌های تربیتی به دست نمی‌دهد. برخی از آنها نقش‌های تربیتی مدارس را ضعیف ارزیابی کرده‌اند. برای نمونه در سال ۱۳۷۲ پژوهشی تحت عنوان «ارزشیابی از فعالیتهای تربیتی در مقاطع راهنمایی و متوسطه» در استان گیلان به انجام رسیده است که یافته‌های آن نشان از ضعف فعالیتهای تربیتی دارد. برای

نمونه تنها حدود ۱۰٪ از دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه مربی تربیتی خود را می‌شناسند. و صرفاً ۵/۲۳ درصد از کل دانش‌آموزان اظهار نموده‌اند که برای حل مشکلات خویش به مربی تربیتی مراجعه کرده‌اند.

در نهایت این که در کنار توسعه امکانات و تجهیزات، به نظر می‌رسد که سطح دانش و مهارت مربی پرورشی بیش از هر چیزی در جهت‌دهی ابعاد هویتی دانش‌آموزان مؤثر باشد. شاید هنوز بتوان امیدوار بود که با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت اثربخش، که در آنها ابعاد هویتی دانش‌آموزان، آسیب‌های آن، نظریه‌های مختلف هویت، و همچنین راه‌های رشد و شکل‌گیری آنها مورد بحث قرار گیرد، در این راه گام برداشت.

منابع فارسی

- ادبی، راضیه. (۱۳۷۹). بررسی رابطه پایگاه هویت و سلامت روانی در اوایل و اواسط نوجوانی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه الزهرا.
- احمدی، سید احمد. (۱۳۷۲). *بحران هویت در دوره نوجوانی و چگونگی ارزیابی آن*، برگزیده مقالات سمینار بررسی مسائل نوجوانان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
- امیدیان، مرتضی. (۱۳۷۱). بررسی وضعیت هویت‌یابی در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی و رابطه آن با سلامت روان در دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی استان خوزستان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱. *پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش*.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۳). *بحران هویت فردی و اجتماعی*. مجموعه مقالات *مبانی نظریه هویت و بحران هویت*، به اهتمام علی اکبر علیخانی. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- باقری، معصومه؛ سلیمانیان نژاد، محمد. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناسی هویت جوانان. *دانشنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۳، بهار ۱۳۸۹.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران [طرح جامع تحول بنیادین برنامه‌های درسی و تربیتی]*. نگاشت سوم، اردیبهشت ۱۳۸۹.

- حسینی، منیر. (۱۳۷۵). بررسی هویت با تأکید بر هویت شغلی و ارتباط آن با افسردگی دانشجویان پزشکی و فنی مهندسی دانشگاه رازی و علوم پزشکی کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا(س).
- جوکار، بهرام؛ لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۵). رابطه ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف در گروهی از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان‌های شیراز و یاسوج. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره پیاپی ۴۹.
- درویشی، لیلا. (۱۳۸۹). بررسی نمادهای هویت ملی و مذهبی در برنامه‌های امور تربیتی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهرا.
- راستگومقدم، میترا. (۱۳۷۶). *بررسی تحولی هویت شغلی از نوجوانی تا جوانی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی*. دانشگاه تهران.
- زارع، محمود. (۱۳۷۳). *بررسی میزان رضایت مربیان تربیتی و دانش‌آموزان راهنمایی استان یزد از کلاسهای پرورشی*. وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان یزد سرمد.
- زهره؛ بازرگان، عباس، حجازی، الهه. (۱۳۷۶). *روش تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
- سفیری، خدیجه؛ غفوری، معصومه. (۱۳۸۸). *بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده*. پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه ۴ + ۲۷: شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- صاحبی، علی. (۱۳۷۲). *نقش مدرسه و خانواده در دستیابی به هویت قابل اعتماد در نوجوان*.
- طرح جامع تحول بخشی در معاونت پرورشی و تربیت بدنی. سند شماره یک، سند راهبردی معاونت پرورشی و تربیت بدنی. گزارش اول، نگاشت سوم، غیر قابل استناد. (۱۳۸۷). وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی و تربیت بدنی.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۴). *بحران هویت جمعی و دینامیسم و مکانیزم تحول آن در ایران و تاثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران و جهان*، نامه پژوهش، شماره ۲ و ۳.
- فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران (چهارچوب نظری راهنمای ساماندهی و هدایت انواع تربیت). ویرایش دهم. (۱۳۸۷). به سرپرستی حجت‌الاسلام دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری.
- کریمی، عبدالرسول. (۱۳۷۵). *بررسی رابطه بین عزت نفس و هویت‌یابی در نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله در شهر تهران در سال تحصیلی ۷۴ تا ۷۵*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا(س).

لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان؛ فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، پائیز ۱۳۸۵.

محمدی روزبهانی، کیانوش. (۱۳۷۸). بررسی ارتباط هویت یابی با نظام ارزشی و رشد اخلاقی در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

مجاهد، حسن. (۱۳۸۲). بررسی عوامل آموزشی مؤثر بر هویت فرهنگی دانش‌آموزان متوسطه و پیش‌دانشگاهی مطالعه‌ی موردی، استان بوشهر ۱۳۸۶. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

مجته‌زاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.

ملاصادقی، منیره. (۱۳۷۸). نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل‌دهی هویت ایرانی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

موسوی‌پور، سعید. (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین شناخت خویشتن والدین فرهنگی و غیر فرهنگی با هویت‌یابی فرزندان نوجوان آنها در شهر اراک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه تربیت معلم تهران.

نظری، علی اشرف، باقری، صمد. (۱۳۹۱). هویت فرهنگی ایران در فرآیند جهانی شدن: ظرفیت‌ها و چشم‌اندازها. مهندسی فرهنگی، نشریه علمی تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال ششم شماره ۶۵ و ۶۶ خرداد و تیر ۱۳۹۱.

منابع انگلیسی

- Cheek, J. M., Smith, S.M., & Tropp, L. R. (2002). Relational identity orientation: A fourth scale for the AIQ. Paper presented at the meeting of the Society for Personality and Social Psychology, Savannah, GA.
- Cheek J. M., Tropp, L. R., Chen, L. C. and Underwood, M. K. (1994). Identity orientation: personal, social, collective aspect of Identity. Paper presented at the meeting of the American association, Los Angeles
- Erikson, E.H. (1968). Identity and the life cycle, New York W.w.Norton \$ co ,INC.
- Erikson, E.H. (1960). Identity, Youth, and crisis, New York W.w.Norton \$ co ,INC.
- Irina, Dana (2012). Rediscovering Culture: The Unexplored Dimension OF European Democratic Identity. Journal for Communication and Culture, 2, no. 1 (spring 2012): 88-104.
- Markus, H.R. and Kitayama, S. (1991). Culture and Self: Implication for Cognition, Emotion and Motivation. Psychological Review. 98 (2), 224-253.

- Papademetriou, Demetrios, G. (2012). Rethinking National Identity in the Age of Migration. Convener, Transatlantic Council on Migration, President, Migration Institute and MPI Europe.
- Yilmaz , Muzaffer Ercan (2009). The Social Identity Dimension of Inter-group Conflicts. Bogaziçi Journal Vol. 23, no. 1-2 (2009), pp. 75-85.